

قرارگاه مرکزی خاتم الانبیاء با صدور بیانیهای هشدار داد که هر شرکت و کشوری که از محل داراییهای ایران مبلغی دریافت کند اجازه عبور از تنگه را نخواهد داشت.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

رئیس جمهور آمریکا در پی اقدامات تجاوزکارانه، و تلاش مستمر برای بی ثبات سازی منطقه اعلام کرده است خسارت شناورهایی که در جریان جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی، به دلیل ایجاد ناامنی توسط ارتش آمریکا، و تخلف در عبور از مسیر غیرقانونی و ناامن جنوب تنگه هرمز آسیب دیدنند راه از محل داراییهای بلوکه شده ایران، پرداخت خواهد کرد. ضمن هشدار به رئیس جمهور جنایتکار آمریکا در خصوص تبعات این اقدام غیرقانونی، به همه شرکتها و کشورهایی که از پیشنهاد ترامپ استقبال نمایند و از داراییهای بلوکه شده ایران، تحت این عنوان استفاده کنند، اعلام می داریم، از این به بعد، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اجازه تردد به هیچ یک از شناورهای آن ها از تنگه هرمز را نخواهند داد و مالنصر الا من عندالله العزیز الحکیم

قدرت موشکی میراث شهیدان و فریاد ملت ایران



جمعی از کودکان کرج در روزهای اخیر با ارسال نامه ها و نقاشی هایی برای سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از رزمندگان و مدافعان امنیت کشور قدردانی کردند. سردار موسوی نیز در پاسخ به این ابراز احساسات پرمهر کودکان، پیامی خطاب به آنان صادر کرد. فرمانده هوافضای سپاه در این پیام با تأکید بر جایگاه راهبردی قدرت دفاعی کشور، آن را میراثی گران قدر و برگرفته از ایشار شهیدان دانست.

متن پیام سردار موسوی به شرح زیر است:

«بسمه تعالی

قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران، ودیعه قائد شهیدمان و میراث سرداران شهید: حسن طهرانی مقدم، امیرعلی حاجی زاده، محمود باقری و شهدای خونین کفن هوافضا است که سوخت پیشران آن فریاد بلند آحاد ملت غیور، بصیر و ولایت مدار ایران اسلامی است که به لطف الهی هیچ گاه خاموش نمی شود. خداوند نصرت و پیروزی را به ملت ما عنایت فرماید.

دیوانه ای در کاخ

گاردین به نقل از مشاور ارشد پزشکی سابق کاخ سفید: ترامپ مایه شرمساری و کاملاً دیوانه است

سند راهبردی مقاومت

خط قرمز تهران برای پایان «جنگ رمضان»

زمان دربی مشخص شد

مراسم قرعه کشی بیست و ششمین دوره رقابت های فوتبال لیگ برتر ایران برگزار شد.

اصلاحات حوزه بنزین

نیازمند گفت و گوی شفاف با مردم است

زیدان رسماً سرمربی فرانسه شد

کویت؛ قربانی وعده‌های توخالی آمریکا

جنگ بزرگ غرب آسیا این روزها تمام معادلات امنیتی و سیاسی منطقه را در هم ریخته است. آنچه تا چند ماه پیش فقط یک سناریوی هشداردهنده به نظر می‌رسید، اکنون به واقعیتی تلخ تبدیل شده است.

در این میان، کشور کویت خود را در صف اول تقابل با جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. اما این جایگاه نه از سر قدرت نظامی یا اراده ملی، که نتیجه میزبانی بی‌چون و چرا از نیروهای نظامی امریکاست. سوال اینجاست که کویت در حالی که حتی کوچک‌ترین توان دفاع از خاک خود را در برابر یک تهدید جدی ندارد، چه سودی از تشدید تنش با ایران می‌جوید؟

ایران و کویت، علی‌رغم همسایگی و اشتراکات فرهنگی، همواره روابطی پرفراز و نشیب داشته‌اند. تلخ‌ترین فصل این روابط، به دوران دفاع مقدس بازمی‌گردد؛ زمانی که کویت در کنار رژیم بعثی صدام حسین ایستاد و از حمایت مالی و لجستیکی از کشوری که بعدها به خاک خودش نیز حمله ور شد، دریغ نکرد.

اما در همان حال، یکی از درخشان‌ترین صفحات تاریخ همکاری منطقه‌ای نیز توسط ایرانی‌ها نوشته شد، پس از حمله صدام به کویت و به آتش کشیده شدن چاه‌های عظیم نفتی این کشور، مهندسان و متخصصان ایرانی بودند که با هزینه‌های جانی و مالی سنگین، به کمک کویت شتافتند و نه تنها آتش زیرساخت‌های نفتی را خاموش کردند، بلکه خلیج فارس را از یک فاجعه زیست‌محیطی جبران‌ناپذیر نجات دادند.

این کمک بی‌چشم داشت، سندی ماندگار بر حسن‌نیت ملت ایران نسبت به همسایگان خود است. اما امروز، کویت با در اختیار قرار دادن خاک خود به ارتش تروریستی آمریکا، پاسخی ناشایست به این کمک‌های تاریخی داده است.

نقش کویت در جنگ کنونی

بر اساس گزارش‌های متعدد از منابع میدانی و حتی رسانه‌های بین‌المللی، پایگاه‌های نظامی کویت – از جمله علی‌السالم، کمپ عرفیجان و اردوگاه العذیری – به سکوهای پرتاب و پشتیبانی نیروهای آمریکایی تبدیل شده‌اند. این پایگاه‌ها میزبان سامانه‌های موشکی هیمارس و راکتاندازهای آمریکایی هستند که در روزهای اخیر، حملاتی را علیه استان خوزستان و سایر نقاط ایران ترتیب داده‌اند. حضور سامانه‌های پدافند هوایی پاتریوت و آشیانه‌های پهپادی آمریکا در این پایگاه‌ها، نشان از عزم واشنگتن برای استفاده از خاک کویت به‌عنوان خط مقدم جنگ علیه ایران دارد.

آتش در پایگاه‌های آمریکایی

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، که در دو مقطع جنگ رمضان نیز بارها این پایگاه‌ها را هدف قرار داده بودند، این بار با واکنشی بی‌سابقه مواجه شدند. در حملات گسترده روزهای اخیر، موشک‌ها و پهپادهای دقیق و نقطه زن ایرانی، رادارها، انبارهای مهمات، سکوهای پرتاب هیمارس و تأسیسات سوخت‌رسانی این پایگاه‌ها را منهدم کرده‌اند. تصاویر منتشر شده از آتش‌سوزی مهیبی که چندین هکتار از این تأسیسات را فرا گرفته، گویای اثربخشی این حملات ایران است. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی رسماً اعلام کرده که این حملات در پاسخ به اقدامات تجاوزکارانه آمریکا از خاک کویت انجام شده و در



اسرائیل عنصری اساسی در راهبرد آمریکا

■ موشه ییلاد در یادداشتی که در وبسایت کانال 12 تلویزیون رژیم صهیونیستی منتشر شد، اعلام کرد که تاریخ روابط این رژیم و ایالات متحده نشان می‌دهد که تمامی رؤسای جمهور آمریکا نسبت به اسرائیل متعهد بوده‌اند، از این رو باید بین منطق و گفت‌وگو برنامه‌های انتخاباتی و منطق مسئولیت‌هایی که دولت‌های آمریکا در پیش می‌گیرند تفاوت قایل شد.

به اعتقاد این کارشناس صهیونیست بر خلاف برخی از اظهارات و تحلیل‌هایی که حتی در اسرائیل وجود دارد، حتی اگر جی دی ونس هم با آن همه مواضع و اظهارات خود در مورد اسرائیل، رئیس جمهور آمریکا شود، باز هم او همان خط مشی را در پیش خواهد گرفت که رؤسای جمهور قبلی در پیش گرفته بودند.

او تأکید کرد: طی سال‌های اخیر ما شاهد رویکرد روز افزونی در ایالات متحده برای کاهش هزینه کرد به نفع متحدان با هدف اختصاص این مبالغ برای حل مشکلات داخلی بوده‌ایم.

به گفته کانال 12 تلویزیون رژیم صهیونیستی، طیفی از افکار عمومی در وهله اول به رژیم اسرائیل صرفاً به عنوان یکی از متحدان آمریکا نگاه می‌کنند اما با نگاهی به تاریخ روابط بین تل‌آویو و ایالات متحده امری خلاف آن را نشان می‌دهد.

تحلیل‌گر این رسانه عبری زبان در این رابطه گفت: همواره رؤسای به کاخ سفید راه یافته‌اند که ساختار نظامی اسرائیل را در صدر اولویت‌های خود قرار ندادند و حتی برخی از آن‌ها مواضعی محتاطانه در قبال آن داشته‌اند. اما هنگامی که از ارزیابی‌های پنتاگون و راینزی‌های شورای امنیت ملی آمریکا مطلع شدند، نگاهشان تغییر کرد. آن‌ها دریافتند که اسرائیل یک بار اضافی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین دارایی‌های راهبردی برای ایالات متحده محسوب می‌شود.

نویسنده اعتراف کرد: این یک دگرگونی ایدئولوژیک نیست، بلکه تغییری از منطق کارزارهای انتخاباتی به منطق مسئولیت حکومتی است.

نامزد ریاست‌جمهوری با رای‌دهندگان سخن می‌گوید، در حالی که از رئیس‌جمهور مستقر خواسته می‌شود پراکندگی نیروهای آمریکایی در جهان، تهدیدات پیش‌روی آن‌ها و توازن قدرت میان ابرقدرت‌ها را بررسی کند. از این منظر، ساختار نظامی اسرائیل یک نماد سیاسی محسوب نمی‌شود، بلکه شریک امنیتی با ارزش و بالفعلی برای ایالات متحده به شمار می‌رود.

■ آمریکا و رژیم صهیونیستی در صبحگاه 9 اسفند 1404 با این محاسبه راهبردی به ایران حمله کردند که با برتری نظامی مطلق خود، ظرف 3 تا 4 روز می‌توانند اراده خود را بر تهران تحمیل کنند. اما آنچه رخ داد، دقیقاً برعکس پیش‌بینی‌های کاخ سفید بود. ایران نه‌تنها در جنگ شکست نخورد، بلکه برگ برنده‌ای جدید را عرضه داشت که معادلات منطقه را تغییر داد: نظم ایرانی در تنگه هرمز. امروز، پس از ماه‌ها درگیری و میلیاردها دلار هزینه برای غرب، آمریکا با واقعیتی تازه روبه‌روست؛ واقعیتی که در آن واشنگتن دیگر مانند قدرتی بلامنازع در منطقه به شمار نمی‌رود و برخلاف انتظارات این ایران است که در حال تحکیم و تثبیت پایه‌های نظم مورد نظر خود بر تنگه هرمز و اقتصاد جهانی است.

شکست محاسبات آمریکا در طول جنگ رمضان

پیش از جنگ، استراتژیست‌های آمریکایی تصور می‌کردند ارتش این کشور با مشارکت رژیم صهیونیستی قادر خواهند بود تا با یک ضربه نظامی سنگین و سریع، ضمن خنثی‌سازی برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، تهران را وادار به پذیرش کامل خواسته‌های خود کنند. اما جنگ 28 فوریه 2026 به مدت 40 روز به طول انجامید و نه‌تنها مسائل هسته‌ای و موشکی و منطقه‌ای مرتبط با ایران مطابق خواسته آمریکا پیش نرفت، بلکه ایران اهرم فشار جدیدی به نام «تنگه هرمز» را به کار گرفت. بستن این آبراه استراتژیک که پیش از جنگ حدود یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کرد، هزینه‌های سرسام‌آوری بر اقتصاد جهانی تحمیل کرد و آمریکا را مجبور به عقب‌نشینی از مواضع اولیه‌اش نمود.

در 14 ژوئن 2026، آمریکا و ایران یک یادداشت تفاهم 14 بندی امضا کردند که بر اساس آن، آتش‌بسی 60 روزه برقرار و تنگه هرمز مجدداً بازگشایی شد. بر اساس این توافق، ایران متعهد شد به مدت 60 روز عبور رایگان کشتی‌های تجاری را فراهم کند و آمریکا نیز محاصره دریایی خود را بردارد. با این حال، اختلافات اساسی همچنان پابرجا ماند و آمریکا تقریباً به هیچ کدام از بندهای توافق عمل نکرد و عملاً برخلاف مفاد توافق تلاش کرد تا در هرمز مسیر جایگزینی را به جای مسیر ایرانی ترسیم کند تا در نتیجه این امر تنش‌ها روزبه‌روز افزایش یابد و در نهایت به شروع مجدد جنگ منجر شود.

نهاد مدیریت آبراه خلیج‌فارس؛ بی‌ریزی نظم ایرانی در هرمز

در اردیبهشت‌ماه 1405، ایران «نهاد مدیریت آبراه خلیج‌فارس» (PGSA) را به عنوان مرجع رسمی مدیریت تردد در تنگه هرمز تأسیس کرد. این نهاد که توسط شورای عالی امنیت ملی ایران معرفی شده، مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات کشتی‌ها، صدور مجوز، هماهنگی مسیرهای عبور و دریافت هزینه‌های ایمنی دریایی را بر عهده دارد. نهاد مدیریت آبراه خلیج‌فارس به‌زودی نقشه منطقه‌ای به وسعت 340 کیلومتر را به عنوان «منطقه تحت کنترل» اعلام کرد که از شرق به جنوب فیجیره در امارات و از غرب به جزیره قشم تا املقویون امتداد دارد. این اقدام، رویکرد پیشین ایران را به «حاکمیت نهاده‌نشده» ارتقا داد.

آمریکا در تلاش برای کاهش وابستگی به مسیر ایرانی در تنگه هرمز، به فکر ایجاد مسیری موازی در سمت معانی تنگه افتاده است. اما این گزینه با موانع جدی روبه‌روست: نخست مسیرهای جایگزین



تصویب کنوانسیون کاسپین تهدیدی

■ خبرگزاری مهر، گروه بین الملل: احمد کاظمی استاد حقوق بین الملل در مورد تبعات خطرناک تصویب کنوانسیون حقوقی دریای کاسپین و پیامدهای کاملاً منفی آن برای امنیت ملی و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران هشدار داد. وی با اشاره به انتشار خبری مبنی بر اینکه در ۳۱ تیرماه، هیئت دولت لایحه‌ای را با فوریت در خصوص تصویب معاهده رژیم حقوقی دریای کاسپین تصویب کرده و آن را به مجلس ارسال کرده، گفت: با توجه به شرایط جنگی کشور و معادلات ژئوپلیتیکی، سیاسی و امنیتی که در منطقه حاکم هست، تصویب چنین لایحه‌ای را باید از منظر مختلف مورد ارزیابی قرار داد. به دلیل اینکه کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین در ۲۱ مرداد سال ۱۳۹۷ تصویب شده، طبیعتاً طبق روال قانونی باید تمامی معاهدات به تصویب مجلس برسد، در همان مقطع، این معاهده نیز به مجلس شورای اسلامی ارسال شده، ولی علیرغم گذشت هشت سال، به‌درستی و در چارچوب منافع حیاتی اساسی و ژئوپلیتیکی ایران، این کنوانسیون در مجلس شورای اسلامی تصویب نشده است.

توضیح این مسأله افزود: علاوه بر انتقادات متعددی که به این کنوانسیون وجود دارد، تصویب آن در حوزه‌های ژئوپلیتیکی، به ویژه در مقطع کنونی، مخاطرات جدی را متوجه ایران خواهد کرد. از لحاظ مباحث حقوقی، انتقادات متعددی بر کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین وارد است. از جمله اینکه در این کنوانسیون در مورد بحث حضور بیگانگان و ممنوعیت آن در دریای کاسپین، اگرچه به کلمه ممنوعیت حضور اشاره شده، ولی بحث ممنوعیت عبور بیگانگان مطرح نشده و این بی‌دقتی محل سوءاستفاده بیگانگان خواهد بود. این استاد دانشگاه هشدار داد: نکته مهم دیگر، تأثیر منفی این کنوانسیون بر سهم ۲۰ درصدی ایران در دریای کاسپین هست و این سهم با تصویب کنوانسیون مذکور تضعیف خواهد شد. به دلیل اینکه در متن آن مطرح شده، کشورهای ساحلی چه برای تقسیم بستر و چه زیر بستر دریای کاسپین باید با هم مذاکرات داشته باشند. یعنی کشورهای مجاور و مقابل باید مذاکرات دوجانبه و سه جانبه را بدین منظور انجام دهند. نفس همین مطلب یعنی اینکه کنوانسیون به مذاکرات دوجانبه و سه جانبه سال‌ها گذشته روسیه، قزاقستان و آذربایجان در مورد تقسیم دریای کاسپین مشروعیت داده و آنها دریای کاسپین را در درصدهای مثل ۲۱، ۲۹ و ۱۸ بین خودشان تقسیم کرده اند. اگر با تصویب کنوانسیون مذکور این درصدبندی‌ها مشروعیت کسب کنند، سهمی که برای ایران و ترکمنستان باقی می‌ماند کاهش یافته و ۲۰ درصد مدنظر ایران برآورده نمی‌شود. حتی مستثنای کردن این بخش از موضوع از کنوانسیون کمکی به حل مسأله نمی‌کند. به دلیل اینکه وقتی ایران کلیت کنوانسیون رو تصویب می‌کند، درواقع به رویکرد کنوانسیون و سیاق حقوقی کلیت کنوانسیون مشروعیت می‌بخشد.

احمد کاظمی با تأکید بر اینکه مباحث حقوقی دیگری نیز در این مورد وجود دارد، گفت: امر اساسی که الان در بحث مخاطرات تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین وجود دارد این است که تصویب این کنوانسیون در مقطع فعلی و در مقاطع آینده، یک امتیاز راهبردی به آمریکا و ناتو و در واقع یک پاس کل جدی و موثر به شبکه انگلوساکسونی و عبری و ضدایرانی هست. زیرا اولین نتیجه تصویب این کنوانسیون، پایان ممنوعیت احداث خطوط لوله از بستر دریای کاسپین است. بر اساس ماده ۱۴ کنوانسیون، کشورهای ساحلی می‌توانند خطوط لوله سراسری را در بستر دریای کاسپین تعبیه و نصب کنند.

وی در توضیح تبعات لوله کشی نفت و گاز در بستر دریای کاسپین گفت: احداث این خطوط لوله یک کمک موثر، راهبردی و بسیار مهم به پشیرد طرح آمریکا با همان مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین المللی است. این طرح همان نسخه به‌روز شده کریدور جلی زنگزور یا دالان تورانی ناتو است. در سفر کوتاهی که روییو، وزیر امور خارجه آمریکا به ارمنستان داشت اسنادی هم راجع به این موضوع تصویب شد. اسناد اولیه هم درپایان مرداد سال گذشته از حضور ترامپ در کاخ سفید امضا شده بود. طبیعتاً مسیر ترامپ یا کریدور جلی زنگه زور، زمانی به معنای واقعی عملیاتی شده و از لحاظ ژئوپلیتیکی و اقتصادی برای جبهه ساکسونی و عبری موثر است که بتواند دسترسی صهیونیست‌ها و ناتو به گاز و نفت آسیای مرکزی را ممکن کند. وقتی ایران این ممنوعیت را با تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین برمی‌دارد، یعنی کشور در این مقطع به ترامپ امتیازی حساس می‌دهد. آیا منطقه‌ای است در شرایطی که ایران با ترامپ در تنگه هرمز و در قفقاز در مصاف ژئوپولتیکی قرار دارد، در دو سوی کاسپین به ترامپ یک امتیاز راهبردی داده شود. این طبیعتاً به هیچ وجه از لحاظ منافع حیاتی و ژئوپلیتیکی کشور قابل پذیرش نیست.

کاظمی افزود: دومین مخاطره تصویب این کنوانسیون، تضعیف نقش تنگه هرمز در معادلات انرژی در مقطعی است که ایران، با اقتدار و به بهای خون شهدا در جنوب کشور، برگ برنده را در دست دارد. علت آن است که با تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریایی دریای کاسپین، کشورهای ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان می‌توانند از طریق احداث خط لوله در بستر دریای کاسپین به باکو وصل شده و در تأمین نفت و گاز مورد نیاز اروپا و کشورهای ناتو نقش آفرینی کند. یعنی در شرایطی که اولاً بعد از جنگ اوکراین، روسیه با تحریم‌های گسترده نفتی مواجه بوده و نقشی در تأمین سید انرژی اروپا ندارد؛ ثانیاً ایران هم تحریم شده و تلاش می‌شود ایران و روسیه از بازار انرژی اروپا کنار گذاشته شوند و ثالثاً اسناد حقوقی و مشروع تنگه هرمز توسط ایران، به شدت آمریکا و اروپا را تحت فشار گذاشته، با تصویب کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین، عملاً یک مجال تنفس ژئوپلیتیکی از منظر انرژی و ژئو اکونومیک به اروپا داده و آمریکا تحت فشار داده می‌شود.



صورت ادامه این روند، اهداف بعدی بسیار گسترده‌تر خواهد بود. همچنین تنگه هرمز توسط نیروهای ایرانی بسته شده و صادرات نفت و کودهای شیمیایی تا زمانی که حملات متوقف نشود، از سر گرفته نخواهد شد؛ اقدامی که اقتصاد شکننده کویت را به طور مستقیم تهدید می‌کند.

واقعیت تلخی که کویت باید به آن توجه کند، ناتوانی ذاتی این کشور در دفاع از خود است. علی‌رغم هزینه‌های میلیاردی برای خرید تسلیحات پیشرفته غربی، ارتش کویت فاقد عمق راهبردی، جمعیت کافی برای پشتیبانی از عمق سرزمینی و همچنین پدافند یکپارچه در برابر حملات همه‌جانبه است.

کویت یک کشور کوچک نفتی با وسعت اندک و جمعیت محدود است که عملاً توان رویارویی با هیچ یک از قدرت‌های منطقه‌ای را ندارد. اتکای این کشور به سپر دفاعی آمریکا، در شرایطی که آمریکا خود درگیر جنگی فرسایشی و چندجبهه‌ای در منطقه است، یک محاسبه غلط راهبردی به نظر می‌رسد.

واشنگتن ممکن است امروز وعده حمایت همه‌جانبه بدهد، اما تاریخ نشان داده که آمریکایی‌ها در بحران‌های جدی، بیشتر به فکر منافع خود هستند تا حفظ متحدان کوچک. در این بین کویت به جای آنکه میزبان یک پایگاه نظامی متجاوز باشد، می‌توانست نقش یک میانجی یا حداقل یک ناظر بی‌طرف را ایفا کند، اما متأسفانه تحت فشار آمریکا، راهی را انتخاب کرده که تنها به نابودی ثبات و اقتصاد وابسته خودش منجر می‌شود.

به راستی باید پرسید دولت کویت که با وجود خریدهای میلیارد دلاری تسلیحات غربی کوچک‌ترین توانایی در دفاع از خاک خود را ندارد، از تشدید درگیری‌ها و تنش‌ها با ایران دنبال چیست؟ انتظار می‌رود زمامداران این کشور با قبول خطاهای راهبردی خود در مسیر جنگ رمضان تا به امروز در گام نخست آمریکایی‌ها را از خاک خود بیرون کرده و از مشارکت بیشتر در کشتار مردم ایران خودداری کنند. این هشدار، نه یک تهدید، بلکه یک نصیحت صادقانه از سوی همسایه‌ای است که برای دهه‌های متمادی نشان داده همچنان صلح و ثبات منطقه را به هر گونه تنش بی‌جاصل ترجیح می‌دهد. کویت امروز بر سر دوراهی قرار دارد؛ یکی به سوی آتش و ویرانی و دیگری به سوی عقلانیت و بقا. امید است که انتخاب درست از سوی حاکمان این کشور، پیش از آنکه دیر شود، انجام پذیرد.

نظم ایرانی در تنگه هرمز



پیشین و انتظار برای بازگشت وضعیت سابق (که اکنون غیرممکن به نظر می‌رسد)، باید رویکردی عمل‌گرایانه در پیش گیرند. این رویکرد مستلزم مذاکرات مستقیم و دوجانبه با ایران است تا ضمن به‌رسمیت‌شناختن نقش تهران در مدیریت آبراه، شرایط عبور امن و پایدار برای کشتی‌های تجاری خود را شفاف‌سازی کنند. مذاکره با ایران نه نشانه ضعف، که نشانه درک درست از واقعیت‌های ژئوپلیتیکی جدید و تلاش برای تأمین منافع ملی از مسیری عاقلانه و به دور از هیجانات سیاسی است. کشورهایی که همچنان به وعده‌های واشنگتن دل بسته‌اند، باید به یاد داشته باشند که آمریکا امروز در تنگه هرمز، در مسیر بن بست جا گرفته و تجربه ثابت کرده که امنیت منطقه‌ای، تنها با گفت‌وگوی مستقیم همسایگان تأمین می‌شود، نه با تکیه بر نیروهای نظامی و اختصاص پایگاه به بازیگران فرامنطقه‌ای.

ایران در این جنگ، نظم جدیدی را در منطقه تعریف کرده است؛ نظمی که در آن کنترل بر تنگه هرمز، به اهرم فشار دائمی و نهادینه‌شده‌ای تبدیل شده که حتی پس از پایان جنگ نیز پابرجاست. ایران با ایجاد نهاد مدیریت آبراه خلیج‌فارس و تعیین قوانین شفاف برای عبور کشتی‌ها، عملاً مدلی جدید از اعمال کنترل عملیاتی بر تردد در تنگه هرمز ایجاد کرده که اکنون به یکی از محورهای اصلی منازعه ژئوپلیتیکی تبدیل شده است.

پایان ذخایر اضطراری و بحران در سه گلوگاه



میلیون بشکه در روز کاهش یافته است،

همچنین امارات متحده عربی که یکی از معدود دارندگان ظرفیت مازاد واقعی تولید محسوب می‌شد، از ابتدای ماه مه ۲۰۲۶ به‌طور رسمی از اوپک و اوپک‌پلاس خارج شده است و دیگر مشمول نظام سهمیه‌بندی این سازمان نیست.

آمریکا نیز به سقف توان صادراتی خود رسیده است

این گزارش همچنین آمریکا را تنها تولیدکننده‌ی معرفی می‌کند که تاکنون توانسته است نقش عرضه‌کننده سوسانی بازار را ایفا کند؛ اما تأکید می‌کند ظرفیت صادراتی این کشور نیز تقریباً تکمیل شده است. در جریان بحران‌های ابتدای سال جاری، صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی آمریکا به رکورد نزدیک ۱۴ میلیون بشکه در روز رسید؛ رقمی که تقریباً معادل حداکثر ظرفیت خطوط لوله، پایانه‌های صادراتی و ناوگان حمل‌ونقل این کشور ارزیابی می‌شود.

به همین دلیل، حتی در صورت افزایش دوباره تقاضا برای نفت آمریکا، امکان افزایش قابل‌توجه صادرات وجود ندارد.

بازار از خوش‌بینی به آتش‌پس تا بازگشت به قیمت‌های سهرقمی

پس از آتش‌پس ماه ژوئن و کاهش موقت تنش‌ها، قیمت نفت برنت تا حدود ۷۶٫۵ دلار کاهش یافته بود و بازار تصور می‌کرد روند عادی صادرات از خلیج فارس ادامه خواهد یافت، اما از سرگیری حملات و افزایش دوباره ریسک‌های ژئوپولیتیکی موجب شد ظرف کمتر از شش هفته، نفت برنت حدود ۲۴ دلار افزایش قیمت را تجربه کند و دوباره به محدوده ۱۰۰ دلار بازگردد.

دو ابزار اصلی مهار قیمت نفت از دسترس خارج شد

با اعتقاد نویسنده گزارش؛ کشورهای غربی در بحران‌های گذشته از دو ابزار اصلی برای جلوگیری از جهش قیمت نفت استفاده می‌کردند؛ نخست، آزادسازی گسترده ذخایر راهبردی و دوم، تسهیل موقت اجرای تحریم‌های نفتی روسیه، اما اکنون هر دو ابزار عملاً کارایی خود را از

بازار جهانی نفت بار دیگر در آستانه یک شوک بزرگ قیمتی قرار گرفته است؛ شوکی که این بار به‌خلاف بحران‌های گذشته، تنها ناشی از تشدید درگیری‌های ژئوپولیتیکی نیست، بلکه به‌اعتقاد تحلیلگران از کاهش ظرفیت بازار برای مهار بحران نیز سرچشمه می‌گیرد.

بررسی آخرین تحولات بازار نشان می‌دهد نفت برنت طی یک ماه گذشته حدود ۳۵ درصد رشد کرده و با جهشی بیش از ۷درصدی، به محدوده ۱۰۰٫۷ دلار در هر بشکه رسیده است، هم‌زمان، ساختار بازار نیز تغییر کرده است و معاملات نقدی نفت برنت با قیمتی بالاتر از قراردادهای ماه‌های آینده انجام می‌شود؛ وضعیتی که در بازار نفت با عنوان بک‌واردیشن (Backwardation) شناخته می‌شود و از کمبود عرضه در زمان حاضر حکایت دارد.

کمبود واقعی نفت آشکار شد

تحلیلگران معتقدند طی ماه‌های گذشته آزادسازی ذخایر راهبردی نفت و همچنین تسهیل غیررسمی اجرای برخی تحریم‌ها، تا حد زیادی مانع از آشکار شدن کمبود واقعی عرضه در بازار شده بود، به‌باور آنها، اکنون این ابزارها عملاً کارایی خود را از دست داده‌اند و بازار با واقعیت محدودیت عرضه روبه‌رو شده است؛ موضوعی که موجب شده است تولیدکنندگانی که در مناطق امن و دارای زیرساخت صادراتی قرار دارند، بیشترین منفعت را از شرایط جدید ببرند.

تنگه هرمز به کم‌سابقه‌ترین وضعیت تردد رسید

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد قیمت نفت، کاهش شدید عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز عنوان شده است. براساس داده‌های منتشرشده، بین ۱۷ تا ۱۹ ژوئیه تنها ۳۰ کشتی به‌طور تأییدشده از این آب‌راه عبور کردند؛ در حالی که پیش از آغاز جنگ، روزانه بین ۱۲۵ تا ۱۴۰ شناور از این مسیر عبور می‌کردند.

کنار این موضوع، مذاکرات دیپلماتیک نیز به بن‌بست رسیده است و هم‌زمان انصارالله یمن از اجرای محاصره دریایی علیه مسیر باب‌المندب خبر داده است؛ مسیری که بخش مهمی از صادرات نفت عربستان، به‌ویژه محموله‌های پایانه «بنیع»، از آن عبور می‌کند.

جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران ،

هم‌زمان سه گلوگاه مهم نفت جهان درگیر بحران شدند

این گزارش تأکید می‌کند به‌خلاف بحران‌های گذشته، این بار تنها تنگه هرمز با ریسک امنیتی مواجه نیست. در دریای سیاه نیز حملات اوکراین به کشتی‌ها و زیرساخت‌های روسیه افزایش یافته است و مسیر انتقال نفت روسیه از طریق این منطقه نیز با مخاطرات جدی روبه‌رو شده است.

به مجموع، سه شاهراه اصلی انتقال نفت جهان شامل تنگه هرمز، باب‌المندب و مسیرهای دریای سیاه به‌طور هم‌زمان در معرض تهدید قرار گرفته‌اند؛ مسیرهایی که مجموعاً نزدیک به نیمی از نفت دریابرد جهان از آنها عبور می‌کند و سهم تنگه هرمز به‌تنهایی بیش از ۲۰ درصد تجارت جهانی نفت است.

اوپک دیگر ظرفیت سابق را ندارد

در شرایطی که بازار با اختلال در مسیرهای صادراتی روبه‌رو شده است، ظرفیت مازاد تولید نیز به پایین‌ترین سطوح سال‌های اخیر رسیده است. برآوردها نشان می‌دهد ظرفیت مازاد تولید اوپک که در سال ۲۰۲۰ حدود ۶٫۵ میلیون بشکه در روز بود، تا سال ۲۰۲۶ به حدود ۲٫۴

فرار تراستی‌ها و چالش مدیریت ارزی؛ خلاّ نظارت کجاست؟

■ به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری تسنیم، ماجرای فرار دست‌کم ۱۵ تراستی و ابهام درباره سرنوشت مقادیری از منابع ارزی، بار دیگر یکی از تاریک‌ترین زوایای حکمرانی اقتصادی در ایران را به صدر بحث‌ها آورده است؛ بخشی از سازوکار ارزی کشور که سال‌ها شکل گرفت، به مرور بزرگ شد، اما هرگز به همان نسبت زیر چتر شفافیت، حسابرسی و پاسخ‌گویی قرار نگرفت.

حالا پرسش اصلی فقط این نیست که چه میزان ارز از دسترس خارج شده، بلکه این است که چگونه شبکه‌ای با چنین حساسیت و اهمیتی، بدون مرجع روشن و پاسخ‌گوی واحد، به یکی از گلوگاه‌های پرهزینه اقتصاد ایران تبدیل شده است.

در سال‌هایی که محدودیت‌های بانکی مسیر عادی انتقال پول را برای تجارت خارجی ایران دشوار کرد، استفاده از واسطه‌ها به یک راه‌حل عملیاتی بدل شد. این واسطه‌ها که در ادبیات تجاری به نام تراستی شناخته می‌شوند، قرار بود انتقال منابع را ممکن کنند، ریسک بلوکه شدن پول را کاهش دهند و جریان تجارت را در شرایط تحریمی زنده نگه دارند.

اما همان سازوکاری که در ابتدا نقش یک ابزار اضطراری را ایفا می‌کرد، به تدریج به شبکه‌ای تبدیل شد که حجم بالایی از منابع ارزی از آن عبور می‌کند، بی‌آنکه افکار عمومی، فعالان اقتصادی و حتی در بسیاری موارد نهادهای درگیر، تصویر دقیقی از ابعاد فعالیت، کیفیت نظارت و میزان تعهدپذیری آن داشته باشند.

اکنون که بحث فرار برخی از این افراد و از بین رفتن یا معطل ماندن بخشی از ثروت ملی مطرح شده، دیگر نمی‌توان موضوع را صرفاً به عنوان یک تخلف فردی یا یک پرونده قضایی محدود دید. آنچه آشکار شده، ضعف در طراحی یک سازوکار منسجم برای رصد منابع ارزی، تفکیک مسئولیت‌ها و جلوگیری از شکل‌گیری نقاط کور در بازار ارز است؛ وضعی که آثار آن فقط در ترازنامه‌ها باقی نمی‌ماند و مستقیماً بر ثبات ارزی، هزینه تجارت، قیمت تمام‌شده کالاها و انتظارات تورمی اثر می‌گذارد.

تراستی‌ها چگونه از راه‌حل اضطراری به مسئله ساختاری تبدیل شدند؟

در یک اقتصاد متصل به شبکه بانکی بین‌المللی، صادرکننده پس از فروش کالا، درآمد ارزی خود را از مسیر بانک‌ها دریافت می‌کند و انتقال پول نیز در قالب فرایندهای رسمی و قابل ردیابی انجام می‌شود. در چنین شرایطی، اگر پولی جابه‌جا نشود یا در میانه راه متوقف بماند، منشأ مشکل تا حد زیادی روشن است و امکان پیگیری حقوقی و نظارتی وجود دارد. اما اقتصاد ایران سال‌هاست در چنین وضعیتی قرار ندارد.

با محدود شدن روابط بانکی و مسدود شدن مسیرهای رسمی، بخشی از تجارت خارجی ناچار شد بر دوش واسطه‌ها و کانال‌های غیرمستقیم حرکت کند. تراستی‌ها در همین نقطه وارد شدند؛ افرادی یا مجموعه‌هایی که در کشور ثالث پول را تحویل می‌گیرند، آن را نگه می‌دارند، جابه‌جا می‌کنند یا برای تأمین نیازهای دیگر به کار می‌گیرند.

این کارکرد در فضای تحریمی تا حدی اجتناب‌ناپذیر بوده است، اما

دست داده‌اند.

ذخایر استراتژیک آمریکا به پایین‌ترین سطح چهار دهه اخیر رسید

در بخش دیگری از گزارش آمده است؛ ذخایر راهبردی نفت آمریکا اکنون به حدود ۳۱۱ میلیون بشکه رسیده است که پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۸۳ محسوب می‌شود، این ذخایر در سال ۲۰۲۱ بیش از ۶۱۲ میلیون بشکه بود و در اوج خود به حدود ۷۷۷ میلیون بشکه می‌رسید، به همین دلیل دولت آمریکا اکنون بیش از آنکه به‌دنبال آزادسازی ذخایر باشد، ناچار است برای بازسازی این ذخایر اقدام به خرید نفت کند .

روسیه نیز دیگر نمی‌تواند نقش سوپاپ بازار را ایفا کند

گزارش همچنین یادآور می‌شود که آمریکا در ماه‌های گذشته با صدور مجوزهای موقت، امکان ادامه صادرات بخشی از نفت روسیه را فراهم کرده بود تا بازار جهانی با کمبود عرضه مواجه نشود، اما این معافیت‌ها اکنون پایان یافته و اتحادیه اروپا نیز اجرای سختگیرانه‌تر سقف قیمت نفت روسیه را در دستور کار قرار داده است.

هم‌زمان حملات اوکراین به زیرساخت‌های پالایش و صادرات روسیه نیز ظرفیت صادراتی این کشور را تحت فشار قرار داده و امکان استفاده از نفت روسیه برای کنترل بازار را کاهش داده است.

چین؛ متغیر مهم بازار نفت

در پایان گزارش تأکید شده است که کاهش واردات نفت چین، تا حدی از شدت فشار بر بازار جهانی کاسته است؛ زیرا افت تقاضای بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان باعث شده است بخشی از کاهش عرضه جبران شود؛ با این حال، تحلیلگران معتقدند در شرایطی که ابزارهای سنتی کنترل بازار تضعیف شده است و مسیرهای اصلی انتقال نفت هم‌زمان با بحران مواجه هستند، هرگونه تشدید تنش یا شکست تلاش‌های دیپلماتیک می‌تواند زمینه‌ساز جهش دوباره قیمت نفت در بازارهای جهانی باشد.



آیا مسیر مهار تورم هموار می‌شود؟

■ در فضای سیاست‌گذاری اقتصادی ایران، هر گاه بحث مهار تورم به میان می‌آید، نگاه‌ها معمولاً به بازار ارز، نرخ سود و تصمیم‌های روزمره بانک مرکزی دوخته می‌شود؛ اما تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که تورم در اقتصاد ایران، بیش از آنکه محصول یک شوک مقطعی یا یک متغیر واحد باشد، برآیند مجموعه‌ای از ناترازی‌های انباشته در بودجه دولت، شبکه بانکی، تجارت خارجی و انتظارات عمومی است.

از همین منظر، تأکید اخیر بانک مرکزی بر حرکت از رویکرد «تثبیت قیمت‌محور» به سمت «اصلاح ترازنامه‌محور» را باید نشانه‌ای از تغییر در سطح تشخیص مسئله دانست؛ تغییری که اگرچه به‌تنهایی برای مهار تورم کافی نیست، اما از حیث جهت‌گیری می‌تواند معنای مهمی برای آینده سیاست پولی داشته باشد.

آنچه در ماه‌های اخیر بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته، این واقعیت است که تورم دیگر صرفاً با مداخله در بازار ارز یا محدود کردن یک نرخ خاص قابل مهار نیست.

اقتصاد ایران در سال‌های گذشته بارها تجربه کرده که تثبیت دستوری قیمت‌ها، چه در بازار پول و چه در بازار ارز، در کوتاه‌مدت ممکن است به آرامش نسبی منجر شود، اما در صورت باقی ماندن ریشه‌های ناترازی، در نهایت خود به منبع جدیدی از فشار تبدیل می‌شود. از این منظر، سیاست‌گذار پولی اکنون به جای تمرکز صرف بر معلول‌ها، بیش از گذشته بر منشأهای تورم، یعنی رشد بالای پایه پولی، اضافه برداشت بانک‌ها، ضعف ترازنامه برخی مؤسسات اعتباری و انتقال کسری‌های مالی به شبکه بانکی متمرکز شده است.

تورم؛ مسئله‌ای فراتر از بازار ارز

بازار ارز در اقتصاد ایران بی‌تردید یکی از مهم‌ترین کانال‌های انتقال شوک به سطح عمومی قیمت‌هاست. هر جهش در نرخ ارز، چه ناشی از تحریم، ناطلمانیی سیاسی یا افت درآمدهای ارزی باشد، به سرعت خود را در قیمت کالاهای وارداتی، مواد اولیه، هزینه تولید و در نهایت انتظارات تورمی نشان می‌دهد.

با این حال، تحلیل تورم تنها از دریچه ارز، تصویر کاملی به دست نمی‌دهد. نرخ ارز در بسیاری از مواقع نه علت اصلی، بلکه بازتابی از بی‌ثباتی‌های عمیق‌تر در اقتصاد کلان است.

وقتی نقدینگی با آهنگی سریع‌تر از ظرفیت تولید رشد می‌کند، وقتی کسری بودجه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به منابع بانکی منتقل می‌شود، و وقتی بخش مهمی از دارایی بانک‌ها درگیر مطالبات غیرجاری یا دارایی‌های غیرمولد است، نوسان در بازار ارز به جای یک رخداد استثنایی، به بخشی از سازوکار طبیعی بی‌ثباتی تبدیل می‌شود.

به همین دلیل است که هرگونه سیاست ارزی بدون پشتوانه اصلاحات پولی و مالی، در بهترین حالت تنها می‌تواند زمان بخرد. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده است که ارزشیابی یا تثبیت یک نرخ، اگر با مدیریت سمت تقاضا، انضباط بودجه‌ای و تأمین پایدار ارز همراه نباشد، به انباشت عدم‌تعادل و تشدید رانت منجر می‌شود.

از این زاویه، تأکید بر یکپارچه‌سازی بازار ارز و کاهش شکاف‌های سیاستی، بیش از آنکه یک انتخاب فنی صرف باشد، تلاشی برای محدود کردن سرچشمه‌های رانت و علامت‌دهی نادرست به اقتصاد است.

آمارهای پولی چه می‌گویند؟

برای درک موقعیت فعلی، باید به تصویر آماری رجوع کرد. رشد ۵۶ درصدی نقدینگی و رشد ۶۱٫۵ درصدی پایه پولی، آن هم در شرایطی که رشد اقتصادی از کیفیت و پایداری لازم برخوردار نیست، نشان می‌دهد که فشارهای پولی همچنان در سطح بالایی قرار دارد.

رشد پایه پولی به‌طور معمول مهم‌ترین هشدار برای آینده تورم است، زیرا این متغیر در نهایت با وقعه‌های زمانی بر نقدینگی، تقاضا و سطح عمومی قیمت‌ها اثر می‌گذارد.

وقتی پایه پولی با این سرعت بالا می‌رود، به این معناست که یا بانک‌ها برای تأمین نقدینگی به بانک مرکزی متکی‌تر شده‌اند، یا به‌دلی دولت و اجزای مرتبط با آن اثر فزاینده‌تری بر منابع پر قدرت گذاشته است، یا مجموعه‌ای از شوک‌های هم‌زمان سمت عرضه و تقاضا، امکان کنترل نرم‌تر نقدینگی را از سیاست‌گذار گرفته است. در همین حال، کاهش ضریب فزاینده نقدینگی به محدوده ۷۰٫۹۵ را می‌توان نشانه‌ای از آن دانست که سیاست کنترل ترازنامه بانک‌ها تا حدی توانسته از شدت خلق پول بانکی بکاهد. این نکته از آن جهت مهم است که نشان می‌دهد سیاست پولی در لایه دوم، یعنی در مهار شتاب وادهمی و کنترل انبساط درون‌بانکی، بی‌اثر نبوده است. با این حال، این موقعیت نسبی زمانی معنا پیدا می‌کند که رشد پایه پولی نیز هم‌زمان مهار شود. اگر منبع اصلی انبساط پولی همچنان فعال بماند، کنترل ضریب فزاینده فقط سرعت گسترش بحران را کم می‌کند، نه اینکه مسیر آن را به‌طور بنیادین تغییر دهد.

روایت شهادت دو برادر معلول در حمله آمریکا



نیاز داشتند، در زمان جنگ چند برابر دیگران آسیب می‌بینند. وقتی مسیرهای ارتباطی از بین می‌روند، دسترسی به درمان دشوارتر می‌شود، خدمات توانبخشی متوقف می‌شود، هزینه رقت‌آمد افزایش می‌یابد و خانواده‌هایی که پیش از آن نیز با مشکلات فراوان دست‌وپنجه نرم می‌کردند، بیش از پیش در معرض فقر، انزوا و محرومیت قرار می‌گیرند. پیکره‌های مطهر همایون و مازیار در میان آشک و آندوه مردم، خانواده، مسئولان محلی و کارکنان سازمان بهزیستی تشییع شد. مدیرکل بهزیستی هرمزگان، مسئولان استانی، کارشناسان بهزیستی شهرستان خمیر و جمعی از مردم در این مراسم حضور یافتند تا آخرین بدرقه را برای دو برادری انجام دهند که قربانی جنگ شدند.

در روزهای پس از این حادثه، مسئولان استان هرمزگان نیز با حضور در منزل خانواده‌های داغدار، از جمله خانواده شهیدان مازیار و همایون چترزین، با آنان ابراز همدردی کردند. استاندار هرمزگان با اشاره به هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های غیرنظامی، این اقدام را نشانه‌ای از شدت خسارت‌های واردشده به مردم منطقه دانست و بر پیگیری مطالبات خانواده‌های قربانیان تأکید کرد. پیگیری این حادثه تنها به سطح استان محدود نماند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز در ارتباطی برخط با خانواده این دو برادر، ضمن ابراز همدردی، بر حمایت دولت از این خانواده تأکید کرد و دستور بررسی و رسیدگی به مشکلات آنان، از جمله موضوع مسکن، را به سازمان بهزیستی و اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی هرمزگان صادر کرد. در این دیدار، وزیر رفاه با محکوم کردن حمله‌ای که به کشته شدن شهروندان غیرنظامی انجامید، اظهار داشت که این حادثه نمادی از آسیب دیدن غیرنظامیان در جریان جنگ بوده است. وی همچنین با استناد به

آموزه‌های قرآن کریم، قتل انسان‌های بی‌گناه را مصداق جنایتی بزرگ دانست و تأکید کرد که سازمان بهزیستی تمام ظرفیت خود را برای حمایت از این خانواده به کار خواهد گرفت. سرنوشت همایون و مازیار، تنها روایت دو برادر نیست؛ روایت هزاران انسانی است که در جنگ‌ها، بی‌آنکه سلاحی در دست داشته باشند، قربانی تصمیم‌هایی می‌شوند که هرگز در آن نقشی نداشته‌اند. ویرانی یک پل شاید در گزارش‌های رسمی تنها به‌عنوان خسارت به زیرساخت ثبت شود؛ اما در حافظه یک خانواده، آن پل آخرین جایی است که عزیزانشان را زنده دیده‌اند.

جنگ، فقط شهرها را ویران نمی‌کند؛ خاطرها را می‌سوزاند، خانواده‌ها را داغدار می‌کند و آینده انسان‌هایی را می‌گیرد که تنها جرمشان، زندگی کردن در میانه آتش و انفجار بوده است و شاید تلخ‌ترین حقیقت جنگ همین باشد؛ اینکه نخستین قربانیان آن، نه نظامیان، بلکه انسان‌های بی‌دفاعی هستند که بیش از همه به امنیت، آرامش و حمایت نیاز دارند؛ انسان‌هایی مانند همایون و مازیار.

خبر شهادت این دو برادر، در سراسر خانواده بزرگ بهزیستی بازتابی عمیق داشت. مسئولان سازمان، این حادثه را تنها از دست رفتن دو عضو جامعه هدف ندانستند؛ بلکه آن را یادآور واقعیتی تلخ دانستند که جنگ، پیش از هر کس، جان انسان‌های بی‌دفاع و آسیب‌پذیر را می‌گیرد. در پیام‌ها و اظهارنظرهای منتشرشده، بر این نکته تأکید شد که افراد دارای معلولیت، کودکان، سالمندان و دیگر گروه‌های نیازمند حمایت، بیشترین هزینه درگیری‌ها را می‌پردازند؛ انسان‌هایی که هیچ سهمی در تصمیم‌گیری‌های جنگ ندارند، اما نخستین قربانیان آن می‌شوند.



سیاست‌گذاری درباره زنان خانواده با یک تناقض (پارادکس) مواجه است

وی در رابطه با مسئله زنان خانواده در ایران گفت: فقط مسئله حمایت نیست؛ مسئله منزلت، هویت و جایگاهی است که جامعه برای این نقش بنیادین قائل می‌شود. در همین نقطه است که مهم‌ترین پرسشی سیاستی مطرح می‌شود: آیا حمایت از زنان خانواده را می‌توان صرفاً در قالب سیاست‌های رفاهی تعریف کرد؟

مکوندی ادامه داد: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، با وجود همه نقاط قوتش، همچنان بیشترین تمرکز خود را بر ابزارهای اقتصادی و نهادهای مطبوع کرده است؛ از اعتبار بیمه‌ای مراقبت و حساب‌های اقماری گرفته تا توسعه خدمات مراقبتی و اصلاح نظام آمار. این پیشنهادها ضروری‌اند، اما کافی نیستند. زیرا مسئله زنان خانواده، افزون‌بر اینکه یک مسئله رفاهی است، یک مسئله اجتماعی و فرهنگی نیز به‌شمار می‌آید.

وی تأکید کرد: در واقع، سیاست‌گذاری درباره زنان خانواده با یک تناقض (پارادکس) مواجه است. از یک سو، ارزش اقتصادی کار خانگی به‌تدریج در حال دیده‌شدن است؛ اما از سوی دیگر، ارزش اجتماعی این نقش در ذهن بخش‌هایی از جامعه رو به افول گذاشته است. به بیان دیگر، ممکن است کار خانگی به رسمیت شناخته شود، اما همچنان در فرهنگ عمومی، به‌منزله کاری کم‌اهمیت یا فاقد منزلت تلقی شود.

اگر چنین شکافی میان «شناسایی اقتصادی» و «بازشناسی اجتماعی» باقی بماند، طبیعی است که سیاست‌های حمایتی نیز به همه اهداف خود دست پیدا نکنند. مکوندی اظهار داشت: این مسئله از زاویه‌ای دیگر نیز قابل توضیح است. سیاست‌های رفاهی معمولاً به دنبال جبران یک محرومیت هستند؛ اما سیاست‌های منزلت‌بخش، به دنبال تغییر یک روایت اجتماعی‌اند. این دو، مکمل یکدیگرند، نه جایگزین هم. بیمه می‌تواند بخشی از دغدغه آینده زنان خانواده را کاهش دهد، اما نمی‌تواند به‌تنهایی نگاه جامعه به خانهداری را تغییر دهد. همان‌گونه که ثبت ارزش اقتصادی کار خانگی در حساب‌های اقماری، هرچند اقدامی ضروری است، اما به خودی خود این تصور را اصلاح نمی‌کند که موفقیت زنان فقط از مسیر اشتغال رسمی تعریف می‌شود.

■ خبرگزاری مهر - گروه جامعه: جنگ را معمولاً با صدای انفجار، دود، آوار و ویرانی می‌شناسند؛ اما حقیقت این است که جنگ، پیش از آنکه ساختمان‌ها را ویران کند، زندگی انسان‌ها را فرو می‌ریزد. در میان همه قربانیان، کسانی بیش از دیگران آسیب می‌بینند که از همان پیش از جنگ نیز با دشواری‌های بیشتری زندگی می‌کردند: کودکان، سالمندان، بیماران، زنان سرپرست خانوار و افراد دارای معلولیت. برای این گروه‌ها، هر بحران می‌تواند به فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر تبدیل شود.

افراد دارای معلولیت بیش از هر گروه دیگری به امنیت، دسترسی و استمرار خدمات وابسته‌اند. یک مسیر ارتباطی، یک مرکز درمانی، یک وسیله حمل‌ونقل یا حتی یک پل روستایی، برای آنان تنها یک سازه عمرانی نیست؛ بلکه پلی است میان خانه و درمان، میان زندگی و امید، میان انزوا و حضور در جامعه. هنگامی که جنگ این پیوندها را از میان برمی‌دارد، نخستین کسانی که زیر بار این فروپاشی خرد می‌شوند، همان آسیب‌پذیرترین انسان‌ها هستند.

در روزهای پرتلاهب جنگ، سازمان بهزیستی کشور تلاش کرد تا با حفظ خدمات حمایتی و توانبخشی، از تبدیل شدن بحران نظامی به یک بحران اجتماعی جلوگیری کند. شبکه گسترده خدمات اجتماعی، مراکز نگهداری، نیروهای تخصصی و ظرفیت‌های مردمی به کار گرفته شدند تا افراد دارای معلولیت، سالمندان و سایر گروه‌های نیازمند، کمترین آسیب ممکن را متحمل شوند. اما واقعیت تلخ جنگ این است که گاهی هیچ شبکه حمایتی نمی‌تواند در برابر یک انفجار، از جان انسان‌ها محافظت کند.

یکی از تلخ‌ترین نمونه‌های این واقعیت، در روستای نیمه‌کار شهرستان بندرخمیر رقم خورد. آن روز، همایون چترزین، مردی ۳۲ ساله و برادر کوچک‌ترش مازیار، نوجوانی ۱۱ ساله، همچون بسیاری از مردم عادی در حوالی پل ارتباطی نیمه‌کار بندر خمیر حضور داشتند. هر دو از افراد دارای معلولیت و تحت پوشش سازمان بهزیستی بودند. زندگی آن‌ها سال‌ها با محدودیت‌های ناشی از معلولیت گره خورده بود، اما خانواده‌شان با امید و صبوری برای ادامه زندگی تلاش می‌کردند.

لحظاتی بعد، انفجار همه چیز را تغییر داد. بر اثر حمله‌ای که به این زیرساخت ارتباطی صورت گرفت، همایون و مازیار جان خود را از دست دادند. انفجار تنها بتن و آهن پل را در هم نشکست؛ دو زندگی را خاموش کرد و خانواده‌ای را بگری همیشه در سوگ فرو برد. در همان حادثه، شماری دیگر از شهروندان نیز کشته و مجروح شدند و یک روستا، شاهد یکی از تلخ‌ترین روزهای خود شد. برای بسیاری، شاید پل فقط راهی برای عبور باشد؛ اما برای خانواده‌ای که عضوی دارای معلولیت دارد، پل یعنی امکان رسیدن به زندگی، مرکز توانبخشی، مدرسه، داروخانه و خدماتی که زندگی روزمره به آن وابسته است. تخریب چنین زیرساختی تنها یک خسارت عمرانی نیست؛ رشته‌های اتصال انسان‌های آسیب‌پذیر به ابتدایی‌ترین امکانات زندگی را از هم می‌گسلد. جنگ دقیقاً از همین نقطه، چهره واقعی خود را نشان می‌دهد. آسیب‌ها میان همه مردم به یک اندازه توزیع نمی‌شود. کسانی که پیش از بحران نیز به حمایت بیشتری

نادیده گرفته شدن زنان خانه‌دار در سیاست‌گذاری

■ راضیه مکوندی، پژوهشگر حوزه زنان و خانواده و فارغ‌التحصیل رشته مطالعات زنان و خانواده از دانشگاه الزهرا (س) در راستای دغدغه های زنان خانه‌دار و مشکلات آن‌ها در گفتگو با خبرگزاری مهر اظهار کرد: هر روز صبح، پیش از آنکه ادارها، کارخانه‌ها و شرکت‌ها فعالیت خود را آغاز کنند، میلیون‌ها زن ایرانی روز کاریشان را شروع کرده‌اند؛ روزی که ساعت پایان مشخصی ندارد، اضافه‌کار و مرخصی برای آن تعریف نشده و هیچ قرارداد رسمی‌ای نیز پشتوانه آن نیست. مدیریت خانه، مراقبت از فرزندان، رسیدگی به سالمندان، تنظیم اقتصاد خانواده، حفظ آرامش روانی اعضای خانواده و دهها مسئولیت ریز و درشت دیگر، بخش مهمی از فعالیت روزانه زنانی است که ستون پنهان حیات اجتماعی به‌شمار می‌روند. با این حال، در بسیاری از روایت‌های رسمی، این فعالیت‌ها هنوز «کار» تلقی نمی‌شوند؛ گویی هر آنچه در خانه اتفاق می‌افتد، نه تولید ارزش، بلکه بخشی از وظایف زندگی زنان است.

مکوندی در رابطه با نادیده‌ماندن زنان خانه‌دار و تبعات آن گفت: همین نادیده‌ماندن، سبب شده که زنان خانه‌دار، با وجود آنکه یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های اجتماعی کشور را تشکیل می‌دهند، سال‌ها در حاشیه سیاست‌گذاری قرار گیرند. هرگاه سخن از سیاست‌های حوزه زنان به میان آمده، تمرکز بیشتر بر اشتغال، کارآفرینی یا حمایت از زنان سرپرست خانوار بوده است؛ حوزه‌هایی که بی‌تردید اهمیت دارند، اما در این میان، نقش میلیون‌ها زنی که بنیان خانواده را بی هیاو و در سکوت حفظ می‌کنند، کمتر به‌منزله یک مسئله مستقل دیده شده است.

به گفته فعال حوزه زنان: از این منظر، انتشار گزارش «مطالعه تطبیقی سازوکارهای سیاستی حمایت از زنان خانه‌دار» از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس، رخدادی قابل توجه و امیدبخش است. اهمیت این گزارش صرفاً در پیشنهاد‌های اجرایی آن نیست؛ بلکه در این واقعیت نهفته است که برای نخستین بار، مسئله زنان خانه‌دار را به‌صورت منسجم وارد دستور کار سیاست‌گذاری کرده و کوشیده است با مرور تجربه کشورهای مختلف، تصویری روشن‌تر از مسیرهای حمایت از این گروه اجتماعی ارائه دهد. روی تحول سیاستی، پیش از آنکه به قانون، بودجه یا ساختار اجرایی نیاز داشته باشد، نیازمند آن است که مسئله‌ای را ببیند و به رسمیت بشناسد؛ و این گزارش، دست‌کم از این جهت، یک گام مهم رو به جلو محسوب می‌شود.

آمار، لزوماً به معنای دیده‌شدن در فرهنگ عمومی نیست. وی یکی از مهم‌ترین نقاط قوت گزارش را تغییر زاویه نگاه به کار خانگی دانست و ادامه داد: سال‌ها در ادبیات اقتصادی، تنها فعالیت‌هایی ارزشمند تلقی می‌شدند که در بازار مبادله می‌شدند و برای آن‌ها دستمزدی پرداخت می‌شد. نتیجه چنین نگاهی آن بود که بخش بزرگی از فعالیت‌های مراقبتی، تربیتی و خانگی، از محاسبات اقتصادی کنار گذاشته شد؛ درحالی‌که بدون همین فعالیت‌ها، نه سرمایه انسانی شکل می‌گیرد، نه نیروی کار بازتولید می‌شود و نه خانواده، به‌منعوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، کارکرد خود را حفظ می‌کند.

مکوندی افزود: گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، این واقعیت را به درستی مورد توجه قرار داده و با مرور تجربه‌هایی مانند کانادا،



حیاتی‌ترین مسائل کشور

■ جلسه طراحی مقدمات اجرای تفاهنامه مدیریت و بهینه‌سازی مصرف انرژی شهر تهران -شنبه سوم مردادماه ۱۴۰۵- با حضور علیرضا زاکانی شهردار تهران و اسماعیل سقاب اصفهانی معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی و جمعی از مدیران برگزار شد.

بر اساس این تفاهنامه، مدیریت، راهبری و اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف برق، گاز و سوخت مایع در شهر تهران به شهرداری تهران واگذار می‌شود. هدف از اجرای این طرح، کاهش مصرف انرژی از طریق مشارکت شهروندان، افزایش بهره‌وری، ارتقای تاب‌آوری شهری و اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف در بخش‌های مختلف است؛ طرحی که پس از نهایی شدن مقدمات اجرایی، به‌زودی در پایتخت آغاز خواهد شد.

علیرضا زاکانی، شهردار تهران با اشاره به رویکرد مدیریت شهری در حل مسائل کلان پایتخت، اظهار کرد: در مجموعه مدیریت شهری، اداره شهر با نگاهی نوین در دستور کار قرار گرفته و مقابله با آلودگی به عنوان بزرگ‌ترین مفضل شهر تهران، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های ماست. در این مسیر، اقدامات توسعه‌ای مبتنی بر رویکردهای پیشرفته دنبال شده و گلوگاه‌های اصلی نیز به‌صورت مشخص شناسایی شده‌اند.

وی افزود: ظرفیت‌های فنی موجود در تمامی حوزه‌ها می‌تواند نقش ویژه‌ای در پیشبرد این برنامه ایفا کند. در کنار اقدامات اجرایی، موضوع فرهنگ‌سازی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است و مقدمات موفقیت این طرح نیازمند توجه همزمان به هر دو بخش اجرا و فرهنگ‌سازی است. شهردار تهران با تأکید بر اهمیت این رویکرد تصریح کرد: این مسیر، آغاز یک تحول بزرگ برای کشور است. نگاهی که امروز به لطف خدا در مجموعه آقای دکتر سقاب اصفهانی حاکم است و ایشان آن را با جدیت دنبال می‌کند می‌تواند منشأ تحولی اساسی در سطح کشور باشد.

شهردار تهران با بیان اینکه تقریباً تمامی معاونت‌های شهرداری در این پروژه نقش خواهند داشت، گفت: همه معاونت‌ها، هر کدام متناسب با مأموریت خود، درگیر اجرای این طرح خواهند شد و این موضوع یکی از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین اقداماتی است که در مدیریت شهری دنبال خواهیم کرد.

مدیریت و صرفه‌جویی انرژی از حیاتی‌ترین مسائل کشور به شمار می‌رود

شهردار تهران با تأکید بر اینکه موضوع مدیریت و صرفه‌جویی انرژی از حیاتی‌ترین مسائل کشور به شمار می‌رود، گفت: این موضوع نفتیها در شرایط عادی بلکه در دوران جنگ، صلح، آتش‌پس و هر وضعیت دیگری می‌تواند بر آینده کشور اثرگذار باشد و به همین دلیل با نگاه افزایش تاب‌آوری ملی، تحقق عدالت و خدمت‌رسانی بهتر به مردم، ورود جدی به این حوزه را در دستور کار قرار داده‌ایم.

وی افزود: نگاه ما این است که از این نعمت الهی که امروز ارزش واقعی آن مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، در جایگاه صحیح و به بهترین شکل بهره ببریم و همزمان کیفیت خدمات را نیز ارتقا دهیم. گزینهای که امروز روی میز قرار دارد، صرفاً یک طرح اجرایی نیست بلکه ظرفیتی است که می‌تواند زندگی مردم، سیمای شهر، خیابان‌ها و حتی چرخه اداره شهر را متحول کند. شهردار تهران با اشاره به مطالعات انجام شده در این زمینه اظهار کرد: در کتاب «راه سوم» به صورت مفصل به این موضوع پرداخته‌ایم و اردیبهشت سال ۱۴۰۳ نیز این موضوع را خدمت مقام معظم رهبری مطرح کردم. همان زمان نیز تأکید داشتیم که این بخش، بالاترین ظرفیت تحول را برای افزایش ارزش پول ملی در کوتاه‌مدت یعنی ظرف سه سال در اختیار دارد.

زاکانی ادامه داد: این حوزه تنها محدود به انرژی نیست و بر بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی اثرگذار خواهد بود. البته ابعاد مختلف این موضوع توسط کارشناسان تشریح شده و ما نیز پیگیری‌های لازم را با همراهی دولت انجام خواهیم داد.

وی با بیان اینکه اهمیت این موضوع با آینده کشور گره خورده است، تصریح کرد: به اعتقاد من، انجام دادن یا انجام ندادن این طرح تفاوت بزرگی ایجاد می‌کند و البته این مسئولیت برای ما بسیار شیرین است زیرا با همه وجود به این نتیجه رسیده‌ایم که این موضوع یک نقطه کلیدی برای کشور محسوب می‌شود. زاکانی تأکید کرد: این طرح نیازمند یک رقابت جدی و تلاش همگانی است. باید ایده‌های مختلف را جمع‌آوری کنیم، ظرفیت‌های مردمی را به میدان بیاوریم و از همه توان جامعه برای پیشبرد این مسیر استفاده کنیم. وی افزود: در کنار این موضوع، لازم است سقف و کف اقدامات نیز مشخص شود. این چارچوب باید با همکاری وزارت نفت و وزارت نیرو و بر اساس وضعیت موجود تعیین شود تا خط مبنا، سهمیه‌ها و ظرفیت‌های اجرایی کاملاً روشن باشد. زاکانی از تشکیل قرارگاه ویژه مدیریت انرژی در شهرداری تهران خبر داد و گفت: برای این موضوع در شهرداری قرارگاه مستقلی ایجاد کرده‌ایم، ما پیش از این نیز تجربه تشکیل قرارگاه‌های مختلف از جمله قرارگاه معیشت، بازسازی و مدیریت بحران را داشته‌ایم و این تجربه‌ها امروز سرمایه ارزشمندی برای ما محسوب می‌شود.



رمان برای خاکستری ها

رویدادی که هر سال میلیون ها نفر را از ملیت ها، فرهنگ ها و ادیان مختلف گرد هم می آورد و ظرفیت های گسترده ای برای روایت های انسانی، اجتماعی و معنوی در اختیار نویسندگان قرار می دهد. با این حال، پرداختن به این پدیده در قالب رمان کار آسانی نیست.

۶

نادیده گرفتن زنان

هر روز صبح، پیش از آنکه اداره ها، کارخانه ها و شرکت ها فعالیت خود را آغاز کنند، میلیون ها زن ایرانی روز کاریشان را شروع کرده اند؛ روزی که ساعت پایان مشخصی ندارد، اضافه کار و مرخصی برای آن تعریف نشده و هیچ قرارداد رسمی ای نیز پشتوانه آن نیست.

۷

مانچینی رسماً سرمربی ایتالیا شد

با اعلام فدراسیون فوتبال ایتالیا، روبرتو مانچینی به عنوان سرمربی این تیم انتخاب شد. روبرتو مانچینی به عنوان سرمربی جدید تیم ملی فوتبال ایتالیا انتخاب شد و بار دیگر هدایت آتزواری را بر عهده گرفت. این مربی ۶۱ ساله پس از چند سال دوری، به نیمکت تیم ملی بازمی گردد؛ جایی که پیش از این توانسته بود یکی از مهم ترین موفقیت های تاریخ فوتبال ایتالیا را رقم بزند. مانچینی در دوره نخست حضور خود روی نیمکت ایتالیا، این تیم را به قهرمانی جام ملت های اروپا ۲۰۲۰ رساند و با ثبت رکوردهای قابل توجه، دوران موفقیت را پشت سر گذاشت؛ هرچند در ادامه پس از ناکامی ایتالیا در راه صعود به جام جهانی ۲۰۲۲ و در شرایطی پرحاشیه، از سمت خود کناره گیری کرد. بازگشت مانچینی در شرایطی رقم خورده که فوتبال ایتالیا پس از ناکامی های اخیر در مسیر جام های جهانی، به دنبال بازسازی تیم ملی و آغاز پروژه ای جدید است. فدراسیون فوتبال ایتالیا پس از بررسی گزینه های مختلف، در نهایت تصمیم گرفت دوباره به سراغ سرمربی سابق خود برود. بر اساس اعلام فدراسیون فوتبال ایتالیا، در کنار انتخاب مانچینی، کلودیو رانیری نیز به عنوان مدیر فنی جدید آتزواری منصوب شده است تا در مسیر بازسازی ساختار تیم های ملی ایتالیا نقش داشته باشد



زیدان رسماً سرمربی فرانسه شد

زین الدین زیدان پس از چند سال دوری از دنیای مربیگری، بار دیگر به نیمکت بازگشت و هدایت تیم ملی فوتبال فرانسه را بر عهده گرفت. فدراسیون فوتبال فرانسه با اعلام رسمی این خبر، زیدان را به عنوان سرمربی جدید تیم ملی این کشور معرفی کرد. قرارداد سرمربی پیشین رئال مادرید با فدراسیون فوتبال فرانسه تا سال ۲۰۳۰ خواهد بود. زیدان که از سال ۲۰۲۱ و پس از پایان دومین دوره حضورش روی نیمکت رئال مادرید بدون تیم بود، حالا جانشین دیدیه دشان می شود مربی ای که بیش از یک دهه هدایت خروس ها را بر عهده داشت. این چهره سرشناس فوتبال فرانسه پیش از این در رئال مادرید دوران موفقیت را پشت سر گذاشت و با این تیم سه بار متوالی قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شد و دو عنوان قهرمانی لالیگا را نیز به دست آورد. زیدان که در دوران بازیگری یکی از اسطوره های فوتبال فرانسه محسوب می شود، حالا نخستین تجربه مربیگری خود در سطح ملی را آغاز خواهد کرد و مأموریت اصلی او آماده سازی فرانسه برای رقابت های آینده از جمله جام ملت های اروپا ۲۰۲۸ و جام جهانی ۲۰۳۰ خواهد بود. سرمربی جدید فرانسه پیش از این بارها اعلام کرده بود که هدایت تیم ملی کشورش یکی از اهداف بزرگ او در دوران مربیگری است.



هیجده تیم در لیگ برتر

مراسم قرعه کشی فصل ۱۴۰۵-۰۶ لیگ برتر فوتبال ایران سه شنبه در هتل المپیک تهران برگزار شد که مدیران فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ، مسؤولان و نمایندگان باشگاه ها، جمعی از روسای هیئت فوتبال استان ها، مدیران عامل و ... در آن حضور داشتند. فصل جدید لیگ برتر با حضور ۱۸ تیم برگزار می شود که باتوجه به در پیش بودن رقابت های جام ملت های آسیا در سال جاری و همچنین مسابقات تیم المپیک ایران، به طور فشرده برگزار می شود که کار تیم ها را سخت خواهد کرد.

پیگیری ها از AFC ادامه دارد

۴- حق حضور در مسابقات آسیایی، حقی مکاتبه و ناشی از نتایج حاصل شده در میدان است. باشگاه چادرملو اردکان بر اساس نتایج رسمی و قطعی در رقابت های انجام شده، شایستگی قانونی خود را احراز کرده و این حق به موجب مصوبه هیئت رئیسه فدراسیون و تصمیم گیری صورت گرفته در کارگروه مورد نظر تثبیت گردیده است.

۵- رئیس فدراسیون کمیته ویژه ای را مأمور بررسی همه جانبه پرونده نموده و دبیر کل فدراسیون نیز در جلسه اخیر هیات رئیسه، سیر کامل وقایع، مستندات و مکاتبات را به هیئت رئیسه ارائه کرد. هیئت رئیسه با طرح پرسش های دقیق از مقامات اجرایی، بر لزوم رعایت کامل مصوبات خود و اولویت نتایج حاصل شده تأکید ورزیده و اشاره شده چنانچه اعضا هیات رئیسه از موضوع اعلام نام گل گهر قبل از آخرین موعد مقرر deadline مطلع می شدند و این موضوع در جلسه هیئت رئیسه طرح می شد، بلافاصله و به قید فوریت مراتب جهت اعلام تصمیم هیات رئیسه به کنفدراسیون فوتبال آسیا و همچنین ایجاد تغییر در نامه اولیه ارسالی انجام می شد.

۶- فدراسیون فوتبال در یک ماه اخیر ظرفیت های حقوقی و اداری خود را به کار گرفته و این پیگیری ها ادامه خواهد داشت و نتایج آن به اطلاع افکار عمومی خواهد رسید.

به نقل از سایت فدراسیون فوتبال، فدراسیون با عنایت به مقررات کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) و مصوبات هیئت رئیسه، مراتب زیر را به شکل روشن به استحضار افکار عمومی می رساند:

۱- فهرست باشگاه هایی که موفق به اخذ مجوز حرفه ای برای شرکت در فصل جدید رقابت های لیگ قهرمانان آسیا شده بودند، به دلیل الزام مقررات، در تاریخ ۱۰ خرداد به AFC ارسال شده است. در همین تاریخ، لیست نام قطعی تیم های حاضر در رقابت های فصل جاری لیگ قهرمانان نیز بدون درج عبارت «TBC» (در انتظار تأیید)، برای کنفدراسیون ارسال شده است. ۲۰- با عنایت به اعتراض برخی باشگاه ها نسبت به بازی کمتر از باشگاه گل گهر به اختلاف ۱ و ۲ امتیاز، موضوع در هیات رئیسه فدراسیون مطرح و کارگروهی جهت تعیین تکلیف نماینده سوم ایران در آسیا تشکیل شد. ماحصل و برآیند تصمیم کارگروه، برگزاری تورنمنت سه جانبه شد و مسابقات وفق مصوبات مربوطه برگزار گردید و در موعد مقرر عیناً به استحضار کنفدراسیون فوتبال آسیا رسید. ۳۰- پس از انتشار نام تیم های شرکت کننده در سایت AFC، فدراسیون فوتبال تاکنون هفت نامه رسمی و مستند به کنفدراسیون فوتبال آسیا ارسال کرده و با استناد به نتایج تورنمنت سه جانبه و مصوبه هیئت رئیسه، خواستار اعمال دقیق آنچه که به صورت قانونی تعیین شده، گردیده است. این مکاتبات نشان دهنده موضع قاطع فدراسیون در دفاع از مصوبه مربوط به برگزاری تورنمنت سه جانبه بوده است.

